

ارج نامہ احمد کلچین معانی

زندگی، آثار، جستارهای متن پڑوی

بہروز ایمانی



از گردش زمانم آبی جوئیست
رفت آنچه بود و بماند
کلچین معانی



-
-
- سرشناسه : ایمانی، بهروز، ۱۳۵۰ -
- عنوان و نام پدیدآور : ارج نامه احمد گلچین معانی: زندگی، آثار، جستارهای متن پژوهی / بهروز ایمانی
- مشخصات نشر : تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری : ۳۲۲ ص.
- فروست : میراث مکتوب؛ ۳۶۷. ارج نامه؛ ۷.
- شابک : 978-600-203-234-8
- وضعیت فهرست نویسی: فیپا
- موضوع : گلچین معانی، احمد، ۱۲۹۵ - ۱۳۷۹.
- موضوع : کتابشناسان - ایران - سرگذشتنامه.
- موضوع : Bibliographers-Iran-Biography
- موضوع : کتابشناسان - ایران
- موضوع : Bibliographers-Iran
- شناسه افزوده : مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
- رده بندی کنگره : Z ۱۰۰۴
- رده بندی دیویی : ۰۱۰/۹۲
- شماره کتابشناسی ملی : ۸۴۴۹۶۸۲
- وضعیت رکود : فیپا
-
-

ارج نامه احمد کلچین معانی

زندگی، آثار، جستارهای متن پژوهی

بهر فرامیانی



ارج نامه احمد گلچین معانی

(زندگی، آثار، جستارهای متن پژوهی)

بهرروز ایمانی

مدیر تولید: محمد باهر

ناشر: میراث مکتوب

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

طراح جلد و صفحه‌آرا: محمود خانی

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

بها با جلد شومیز: ۶۹۰۰۰ تومان

بها با جلد سخت: ۹۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۳-۲۳۴-۸

چاپ (دیجیتال): میراث

شماره فروش:

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است
نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر: تهران، ش.پ. ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

<http://www.MirasMaktoob.ir>

دریابی از فریبگت پر مایه اسلام و ایران در نسخ های خطی موج می زند این نسخه ها در حقیقت کارنامه دانشمندان و نوابغ بزرگ و هویت نامده ما ایرانیان است بر عمده بررسی است که این میراث پرارج را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فریبگت و ادب و سوابق علمی خود به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

بایمه کوششی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تتبع در آنها انجام گرفته و صد کتاب و رساله ارزشمند آثار یافته هنوز کار نگارنده بسیار است و هزاران کتاب و رساله خطی موجود در کتابخانه های دولتی و خارج کشور شناسنامه و منتشر نشده است بسیاری از متون نیز اگرچه بدیهه بطبع رسیده منطبق بر روش علمی نیست و تحقیق و تصحیح مجدد نیاز دارد.

احیاء و نشر کتاب ها و رساله های خطی و طیفه ای است بر دوش محققان و مؤسسات فرهنگی و مراکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد نهاده شد تا با حمایت از کوشش های محققان و محققان و با مشارکت ناشران و مؤسسات علمی اشخاص فرهنگی و علاقه مندان به دانش و فریبگت سهمی در نشر میراث مکتوب داشته باشد مجموعه ای از شناسنامه از متون و منابع تحقیق را به جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

افزون بر وظایف یاد شده بنیاد پژوهشی میراث مکتوب بر عمده خودی و اندک به منظور شناساندن و معرفی نام آوران عرصه تحقیق و پژوهش در متون کهن کوشش های لازم را مبذول دارد از این رو شاخه ای از آثار خود را تحت عنوان «ارج نامه» به بزرگداشت دانشمندان برجسته حوزه تصحیح متون و کتاب شناسی و فهرست نویسی اختصاص داده و در بر کتاب به معرفی و نقد آثار بر یک از این بزرگان می پردازد.

کتاب ایرانی

مدیر عامل بنیاد پژوهشی میراث مکتوب

یک دو روزی بیش، گلچین نیست در جمع شما
یادش آرید ای عزیزان! چون که او از دست رفت
(احمد گلچین معانی)

فهرست مندرجات

پیشگفتار.....	یازده
فصل اول: سال شمار و زندگینامه احمد گلچین معانی.....	۱
۱. سال شمار زندگی.....	۳
۲. زندگینامه.....	۷
۱. تولد.....	۷
۲. تحصیلات مقدماتی.....	۷
۳. راهیابی به وزارت دادگستری.....	۸
۴. ورود به انجمن ادبی حکیم نظامی.....	۹
۵. فعالیتهای مطبوعاتی.....	۱۱
۶. ورود به انجمن ادبی ایران.....	۱۴
۷. ورود به انجمن ادبی فرهنگستان ایران.....	۱۴
۸. فعالیت در کتابخانه ملی ملک.....	۱۵
۹. انتقال به کتابخانه مجلس شورای اسلامی.....	۱۵
۱۰. فعالیت در کتابخانه آستان قدس رضوی.....	۱۵
۱۱. تدریس در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.....	۱۹
۱۲. بیماری.....	۲۲
۱۳. وفات.....	۲۴

فصل دوم: آثار احمد گلچین معانی	۲۷
بخش اول: آثار تصحیحی	۲۹
۱. تذکرهٔ یخچالیه	۲۹
۲. تذکرهٔ منظوم رشحه	۲۹
۳. لطائف الطوائف	۳۰
۴. تاریخ ملازاده در ذکر مزارات بخارا	۳۰
۵. تذکرهٔ میخانه	۳۱
۶. الايضاح عن اصول صناعة المصاح	۳۱
بخش دوم: فهرست‌نگاری	۳۲
۱. فهرست کتب خطی کتابخانهٔ آستان قدس رضوی (ج ۷، بخش ۱-۲)	۳۲
۲. راهنمای گنجینهٔ قرآن	۳۳
۳. فهرست کتب خطی کتابخانهٔ آستان قدس رضوی (ج ۸)	۳۳
۴. فهرست کتب خطی کتابخانهٔ آستان قدس رضوی (ج ۱۳)	۳۳
بخش سوم: تحقیقات و تألیفات	۳۳
۱. شهر آشوب در شعر فارسی	۳۳
۲. مکتب و قوع در شعر فارسی	۳۴
۳. تاریخ تذکره‌های فارسی	۳۴
۴. گلزار معانی	۳۵
۵. تذکرهٔ پیمانه	۳۵
۶. فرهنگ اشعار صائب	۳۶
۷. مضامین مشترک در شعر فارسی	۳۶
۸. کاروان هند	۳۶
۹. تکلمهٔ امثال و حکم	۳۷
۱۰. جنگ معانی	۳۷
بخش چهارم: اشعار	۳۸
دیوان گلچین (احمد گلچین معانی)	۳۸
بخش پنجم: نامه‌ها	۳۸
بخش ششم: مصاحبه‌ها	۳۹

بخش هفتم: آثار چاپ نشده.....	۳۹
بخش هشتم: فهرست تفصیلی مقالات تحقیقی و رسالات تصحیحی.....	۴۰
فصل سوم: اسناد و تصاویر.....	۷۵
درآمدی بر مکاتبات و نامه‌های استاد احمد گلچین معانی و معرفی چند نامه از ایشان	
به استاد محمد قهرمان / پرویز گلچین معانی.....	۷۷
فصل چهارم: کتابشناسی نقد و معرفی آثار و بررسی احوال.....	۱۲۱
الف) آثار.....	۱۲۳
۱. یخچالیه.....	۱۲۳
۲. لطائف الطوائف.....	۱۲۳
۳. تاریخ ملّازاده.....	۱۲۴
۴. تذکره میخانه.....	۱۲۴
۵. شهر آشوب در شعر فارسی.....	۱۲۴
۶. الايضاح عن اصول صناعة المتّاح.....	۱۲۴
۷. کاروان هند.....	۱۲۵
۸. تاریخ تذکره‌های فارسی.....	۱۲۵
۹. فرهنگ اشعار صائب.....	۱۲۵
۱۰. متفرّقه.....	۱۲۶
ب) احوال.....	۱۲۶
فصل پنجم: شیوه فهرست‌نگاری و روش تصحیح متون و پژوهش.....	۱۳۱
۱. شیوه فهرست‌نگاری استاد احمد گلچین معانی / محمد وفادار مرادی.....	۱۳۳
۲. نظری بر تصحیحات استاد احمد گلچین معانی / بهروز پارسا.....	۱۴۱
۳. نگاهی به برخی وجوه پژوهشی احمد گلچین معانی / رضا موسوی طبری.....	۱۴۷
الف) اجتهادات.....	۱۴۸
ب) انتقادات.....	۱۵۴
ج) اشتباهات.....	۱۵۷

فصل ششم: بررسی آثار.....	۱۶۷
۱. اشارتی کلی به برخی از یادگارهای گلچین معانی / نجیب مایل هروی.....	۱۶۹
۲. با «کاروان هند» از کاروان هند / نجیب مایل هروی.....	۱۷۳
۳. گلچین معانی در تاریخ تذکرها / دکتر سعید شفیعیون.....	۲۰۱
مقدمه.....	۲۰۱
الف) اهمیت و بداعت موضوع.....	۲۰۲
ب) روش و گسترهٔ کار.....	۲۰۳
ج) وجه انتقادی.....	۲۰۵
فصل هفتم: از آثار چاپ نشده.....	۲۰۹
یادداشت‌های استاد احمد گلچین معانی برگلستان هنر / محمد باهر.....	۲۱۱
گلچین معانی و گلستان هنر.....	۲۱۵
پژوهشها و مقالات منتشر شده دربارهٔ گلستان هنر.....	۲۱۶
سایر پژوهشها و نکته‌ها دربارهٔ گلستان هنر.....	۲۱۸
فصل هشتم: مقالات تقدیمی.....	۲۶۹
۱. بلبل گلزار معانی، گلچین تهرانی / دکتر محمد سیاسی.....	۲۷۱
نمایهٔ عام.....	۲۹۹
استدراک.....	۳۳۵

پیشگفتار

فخامت و فره سرزمین، به دیرینگی تمدن، و سترگی و پُرمایگی آن بسته است، و شکوه و شکوفایی فرهنگی در پرتو تلاشهای فکری و معنوی فرهیختگان و دانشوران به حصول می‌پیوندد. آنان که سپیدی اوراق را به قدم قلم پیمودند و صحیفه دانش و اندیشه را شیرازه بستند، و کاتبان، آن اوراق عتیق را در هیأت نسخ خطی - که گرانمایه‌ترین میراث انسانی است - به دست آیندگان سپردند.

جامعه‌ای که می‌خواهد رگه‌های فرزاندگی و فرهیختگی را در تاریخ خود برکاود و دریابد، ناگزیر از تفحص و تصفح صحیفه فرهنگ گذشته، و بازیابی و احیای میراث مکتوب دانشمند و اندیشوران خود است. فرهنگ گذشته، برگه هویت آینده جوامع است و باید پا به پای پیشرفتهای علمی و فکری امروزی، از دانش و بینش، حکمت و تفکر فرهیختگان اعصار گذشته نیز بهره جست تا جامعه‌ای با هویت و مرقی ساخت، و به گفته دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی: «گذشته پرشکوه و افتخارآمیزی را که پشت سر گذاشته‌ایم، نباید بکلی از یاد برده و فراموش کنیم، بلکه باید همیشه کاخ زرین و روش آینده‌ای را که در ذهن ترسیم می‌کنیم، بر اساس پایه‌های محکم و استوار این گذشته، بنیانگذاری نماییم... زیرا با توجه به گذشته روشن و پایگاه بزرگ خود، در صحنه تاریخ، بهتر می‌توانیم مقام حقیقی خود را درک کنیم»^۱.

۱. «نهضت علمی اسلامی»: دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، مجموعه مقالات، به کوشش طه حجازی، تهران،

دستیابی به تجارب پیشین، بازیابی ذخیره‌های اطلاعاتی گذشته و تحصیل میراث پرشکوه باستانی، کار مصحح و متن‌پژوه، گذرگاه تاریخ را درمی‌نوردد و به ژرفای سده‌ها نفوذ می‌کند، و شاعران، هنرمندان و دانشوران را نفس در نفس می‌آمیزد و آنها را به بود و نمودی دوباره برمی‌انگیزد، و بدین‌سان، با نمایاندن این چهره‌های دانش و اندیشه، و احیای میراث کلان معنوی آنها، فرهنگ سرزمین خود را جایگاه برتر و بهتر در میان فرهنگهای ملل می‌بخشد و به حرمت و شکوه آن می‌افزاید. اهمیت تصحیح متون بر کسی پوشیده نیست و «احیای هر اثری از آثار علمی و ادبی قدیم، در حکم یافتن حلقه مفقوده‌ای است که شیرازه ادبیات و سلسله حیات معنوی و فرهنگی ما را به هم پیوند می‌دهد»^۱.

زنده‌یاد استاد احمد گلچین معانی، از احیاگران آثار و مآثر اسلامی - ایرانی، و از رهروان پویا و راستین وادی تحقیق است. استغراق او در بطون متون، و به گفته خود «تحقیق در اوراق عتیق»^۲، تفحص سرچشمه‌های دانش و... به شخصیت عالمانه او در شمار پژوهشگران، تمایز ویژه‌ای بخشیده و بنا به نوشته زنده‌یاد دکتر غلامحسین یوسفی، او را به زنجیره کتابشناسان معدود کشور، پیوند داده است.^۳ کاروان هندی که او با جلال و جمال به سیر داشته، بابتی بزرگ بر روی تحقیقات و مطالعات ادبی، تاریخی و سیاسی در قلمرو زبان و فرهنگ فارسی گشوده است^۴ و تاریخ تذکره‌های فارسی ایشان از نظر دقت، ارائه نظرات انتقادی و استقصا در گردآوری هر چه شاملتر مراجع، شاهکاری کم‌نظیر است.^۵

استاد گلچین، شخصیت چندبُعدی داشت: مصحح بود، محقق بود، فهرستنگار بود،

۱. همایی، جلال‌الدین، مصباح الهدایة و مفتاح الکفاية، ص ۷ (مقدمه).

۲. کارام همه تحقیق در «اوراق عتیق» است وز خویشتم غافل و تشویش ندارم

مصرف کتاب است مرا تا نفسی هست از عمرم گرفتیم نفسی بیش ندارم

(دیوان گلچین، ص ۱۰۹).

۳. چشمه روشن (دیداری با شاعران)، تهران، انتشارات علمی، چاپ هشتم، ۱۳۷۷، صص ۷۰۲-۷۰۳.

۴. مایل هروی، نجیب: «با کاروان هند از کاروان هند»، سایه به سایه، ص ۲۳۴.

۵. محجوب، محمد جعفر، «تاریخ تذکره‌های فارسی»، راهنمای کتاب، سال ۱۳، شماره ۸-۹، آبان - آذر ۱۳۴۹.

کتابشناس بود، شاعر بود و... استاد احمد منزوی، گلچین را در فهرستنگاری «صاحب‌سبک» می‌داند و پژوهشگری دقیق و راستین که در شناخت سرایندگان زبردستی داشت و دخل و تصرفها و اقتباسات و انتحالات را بی‌پروا نشان می‌داد و جنبه‌های انتقادی را نیز در معرفی آثار، ملحوظ نظر داشت.^۱

نگارنده در سال ۱۳۸۳ به پاس زحمات و خدمات گلچین در حوزه تراث پژوهی و فهرستنگاری، نامه معانی را با همراهی شماری از پژوهشگران و استادان، به ساحت نشر پیوست، و اکنون نیز مفتخر است با ارجنامه احمد گلچین معانی یاد و نام آن دانشمند فقید را دوباره گرامی می‌دارد.

در پایان مقاله، سپاسگزارم از همه دانشورانی که درخواست این جانب را پذیرفتند و این ارجنامه را به زیور نوشته‌ها و گفته‌های خود آراستند، بویژه فرزند فرهیخته و دانشور استاد گلچین، جناب آقای پرویز گلچین معانی که اطلاعات نویافته‌ای از احوال و آثار ایشان در اختیار این ناچیز گذاشتند.

همچنین تشکر می‌نمایم از دانشور گرامی جناب آقای دکتر اکبر ایرانی که تکریم ارباب تحقیق و تدقیق را وجهه همّت خود ساخته، و دوست دانشمند و ماهر جناب آقای محمد باهر که نشر این اثر، بهره‌مند از زحمات ایشان و همکارانشان، بویژه دوست گرامی، جناب آقای محمود خانی است.

بهر روز ایمانی

تهران - ۱۴۰۰

۱. «گفتگو با استاد احمد منزوی درباره احمد گلچین معانی و مسائل فهرستنگاری»، آرش ابوترابی، کتاب

فصل اول

سال شمار و زندگی نامه احمد گلچین معانی

سال شمار زندگی

- ۱۲۹۵ش (مطابق با ۱۳۳۴ ق)، هجدهم دی ماه، تولد در تهران.
- ۱۲۹۸ش (آغاز فراگیری نوشتن و خواندن قرآن در مکتب قرآن).
- ۱۳۰۰ش ورود به مدرسه توفیق.
- ۱۳۰۲ش ورود به مدرسه امین الدوله (از کلاس سوم دبستان).
- ۱۳۰۴ش ورود به مدرسه سیروس (از کلاس پنجم دبستان).
- ۱۳۰۶ش (اتمام دوران شش ساله مقدماتی تحصیل).
- ۱۳۰۶ش راهیابی به دبیرستان دارالفنون، مدرسه صنایع مستظرفه و کالج آمریکایی‌ها.
- راهیابی به محضر دانشوران و قراء معروف، همچون مرحوم حاج میرزا خلیل کمره‌ای، برای فراگیری دانش تجوید و قرائت قرآن و...
- ۱۳۰۸ش آغاز شاعری.
- ۱۳۰۹ش آشنایی با بزرگان و دانشمندان و شعرای روزگار، از جمله محمدباقرالفت
- اصفهانی، میرزا محمدخان عنقا، ملک الشعراء بهار، عباس اقبال آشتیانی، جلال‌الدین همایی و...
- ۱۳۱۰ش آغاز فراگیری موازین حقوقی و ثبتی و شرکت در کلاسهای ثبت اداره کل ثبت اسناد و املاک کشور و اخذ مدرک از دادگستری.

- ۱۳۱۱ش آغاز دورهٔ سربازی در وزارت دادگستری و ادارهٔ ثبت.
- ۱۳۱۳ش استخدام در وزارت دادگستری.
- ۱۳۱۴ش راهیابی به انجمن ادبی حکیم نظامی و آشنایی با نسخه‌های خطی.
- ۱۳۱۵ش آغاز همکاری با مطبوعات و انتشار اشعار انتقادی و فکاهی.
- ۱۳۱۸ش اقدام به تدوین کتاب گلزار معانی.
- ۱۳۲۱ش انتشار تذکرهٔ یخچالیه.
- ۱۳۲۱ش اهتمام به تأسیس و ثبت مجدد انجمن ادبی ایران به اتفاق محمدعلی ناصح.
- ۱۳۲۲ش (بهار) ازدواج با همسر اول (اکرم تاج بخش).
- ۱۳۲۴ش (تیر) تولد نخستین فرزند (پروین گلچین معانی).
- ۱۳۲۵ش (تیر) تولد دومین فرزند (پرویز گلچین معانی).
- ۱۳۲۵ش (مرداد) جدایی از همسر اول.
- ۱۳۲۵ش ورود به انجمن ادبی فرهنگستان ایران.
- ۱۳۲۸ش (اردیبهشت) انتشار مقاله‌ای با عنوان «مرحوم مشکان طبسی»، در مجلهٔ ارمغان.
- ۱۳۲۸ش (تیر) ازدواج با همسر دوم (آفاق رضانی).
- ۱۳۲۸ش (اسفند) شرکت در مسابقهٔ داستان سنگتراش ژاپنی و احراز رتبهٔ اول.
- ۱۳۳۰ش تصدی صفحهٔ ادبی مجلهٔ تهران مصور.
- ۱۳۳۰ش آغاز فعالیت در کتابخانهٔ ملی ملک.
- ۱۳۳۵ش (فروردین) سفر به عتبات عالیات و اردن، سوریه و لبنان.
- ۱۳۳۶ش انتشار کتاب لطائف الطوائف.
- ۱۳۳۸ش (بهمن) کناره‌گیری از ادامهٔ خدمت در ادارهٔ ثبت اسناد و املاک.
- ۱۳۳۸ش انتقال به کتابخانهٔ مجلس شورای ملی.
- ۱۳۳۹ش انتشار کتاب تاریخ ملّزاده در ذکر مزارات بخارا.
- ۱۳۴۰ش انتشار کتاب تذکرهٔ میخانه.
- ۱۳۴۲ش (اسفند) بازنشستگی از مشاغل دولتی.
- ۱۳۴۳ش (مرداد) مهاجرت به مشهد مقدّس و آغاز فعالیت در آستان قدس رضوی.

- ۱۳۴۴ ش انتشار کتاب تذکره منظوم رشحه.
- ۱۳۴۶ ش انتشار کتاب شهر آشوب در شعر فارسی.
- ۱۳۴۶ ش انتشار کتاب فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی (جلد هفتم، بخش ۱-۲).
- ۱۳۴۷ ش انتشار کتاب راهنمای گنجینه قرآن.
- ۱۳۴۷ ش انتشار کتاب الايضاح عن اصول صناعة المساح.
- ۱۳۴۹ ش انتشار کتاب تاریخ تذکره های فارسی.
- ۱۳۵۰ ش انتشار کتاب فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی (جلد هشتم).
- ۱۳۵۲ ش انتشار کتاب گلزار معانی.
- ۱۳۵۴ ش (تابستان) آغاز بیماری پوستی (سوریاسیس).
- ۱۳۵۴ ش (بهمن) اتمام همکاری با آستان قدس رضوی.
- ۱۳۵۶ ش آغاز تدریس در دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۳۵۷ ش (اردیبهشت) سفر به انگلستان (لندن) برای معالجه بیماری پوستی.
- ۱۳۵۹ ش انتشار کتاب تذکره پیمانه.
- ۱۳۶۳ ش انتشار چاپ دوم تاریخ تذکره های فارسی (با تجدیدنظر و استدراکات).
- ۱۳۶۳ ش انتشار چاپ دوم گلزار معانی (با افزودن فهرست وفيات).
- ۱۳۶۴ ش (شهریور) سفر به انگلستان و آمریکا برای معالجه بیماری پوستی.
- ۱۳۶۴ ش انتشار کتاب فرهنگ اشعار صائب.
- ۱۳۶۵ ش (مهر) بازگشت به ایران (پس از سیزده ماه).
- ۱۳۶۸ ش انتشار چاپ دوم تذکره پیمانه (با تجدیدنظر، اصلاحات و اضافات).
- ۱۳۶۹ ش انتشار کتاب مضامین مشترک در شعر فارسی.
- ۱۳۶۹ ش انتشار کتاب کاروان هند.
- ۱۳۷۲ ش انتشار کتاب فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی (جلد ۱۳) با همکاری غلامعلی عرفانیان.
- ۱۳۷۳ ش انتشار چاپ دوم فرهنگ اشعار صائب (با تجدیدنظر، اضافات و استدراکات).
- ۱۳۷۹ ش (اردیبهشت) درگذشت در مشهد و دفن در طوس (مقبرة الشعرا، در کنار آرامگاه فردوسی).



زندگینامه^۱

۱. تولّد

استاد احمد گلچین معانی در هجدهم دی ماه سال ۱۲۹۵ ش در تهران تولّد یافت.

۲. تحصیلات مقدّماتی

از سال ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۰ ش (تقریباً از سی ماهگی تا پنج سالگی) به همراه خواهر بزرگ خود (ایران خانم) به مکتب قرآن رفت و خواندن و نوشتن قرآن را تعلیم یافت. در سال ۱۳۰۰ ش به دلیل تسلّط به خواندن و نوشتن، با مساعدت و رهنمود خواهر بزرگ خود، به نزد مرحوم شیخ محمدرضا توفیق یزدانی (درگذشته ۱۳۲۴ ش) رفت^۲ و چون

۱. نگارنده در چند جا: آینه میراث، شماره پیاپی ۹، صص ۶۷-۸۲، کتاب ماه «کلیّات»، شماره پیاپی ۶۷، صص ۲۵-۳۳، پیام بهارستان (نشریه داخلی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)، شماره ۲۴، صص ۳۴-۳۸، و نامه معانی «یادنامه استاد احمد گلچین معانی»، صص ۱۹-۵۸، شرح حال استاد گلچین معانی را نوشته و آثار (کتابها و مقالات) ایشان را برشمرده است. در اینجا با استناد به آثار و مدارک تازه، و نیز با مساعدت و عنایت آقای پرویز گلچین معانی (فرزند دانشور و فرهیخته استاد احمد گلچین معانی) در تکمیل شرح احوال و آثار ایشان، تلاش بیشتر کرده است. فهرست آثار (کتابها و مقاله‌ها) استاد گلچین معانی بر اساس سال چاپ آنها و با توضیح بیشتر، سامان داده شده است.

۲. این مدرسه، جنب امامزاده یحیی قرار داشت.

از عهده سؤالات کتبی و شفاهی، و قرائت قرآن، به خوبی برآمد، توسط آن مرحوم، پیش از سنّ قانونی، برای ورود به دبستان مورد تأیید قرار گرفت و در سن پنج سال و شش ماهگی، به مدرسه توفیق راه یافت.^۱

در سال ۱۳۰۲ش در سن هفت سالگی (از کلاس سوم دبستان) وارد مدرسه امین‌الدوله شد. در سال ۱۳۰۴ش از کلاس پنجم دبستان، به مدرسه سیروس راه یافت. در سال ۱۳۰۴ش در سن یازده سالگی، به عنوان جوانترین فارغ‌التحصیل و با رتبه شاگرد ممتاز، دوران شش ساله تحصیلات مقدماتی را در مدرسه سیروس به انجام رساند. از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۰ش به دبیرستان دارالفنون، مدرسه صنایع مستظرفه و کالج آمریکایی‌ها می‌رفت و همه روزه صبحها به تحصیل می‌پرداخت و بعدازظهرها از محضر علما و قزّای معروف تهران، به آموختن تجوید و قرائت قرآن، فقه و اصول و شرح لمعه همت می‌گماشت. مرحوم حاج میرزا خلیل کمره‌ای، از جمله دانشورانی بوده که مرحوم گلچین معانی در این هنگام به محضر ایشان راه یافت و از افاضات ایشان، بهره کافی بُرد.

۳. راهیابی به وزارت دادگستری

از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۱ش، دوره‌های اوّل و دوم کلاسهای ثبت را در اداره کلّ ثبت اسناد و املاک کشور گذراند و به اخذ مدرک از دادگستری در آشنایی با موازین حقوقی و ثبتی توفیق یافت. از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۳ش به دلیل تسلّط به ماشین‌نویسی و دارابودن مدرک کلاسهای ثبت، دوره سربازی را در وزارت دادگستری و اداره ثبت طی کرد.

در سال ۱۳۱۳ پس از گذراندن دوره سربازی، به استخدام وزارت دادگستری درآمد و در اداره ثبت کلّ اسناد و املاک به خدمت پرداخت و به مدّت بیست و شش سال مدارجی را پیمود، که از آن جمله دو سال دادستان انتظامی سردفتران و دفتریاران بود، و پانزده سال در دادگاههای بدوی و تجدیدنظر مال‌الاجاره‌ها عضویت اصلی داشت. در تیرماه ۱۳۳۸ قصیده‌ای برای جلب موافقت اولیای امور سروده و از آن شغل

۱. زنده‌یاد گلچین معانی، قطعه‌ای در تاریخ وفات توفیق سروده است (ر.ک: دیوان گلچین، صص ۲۳۷-۲۳۸).

پُر در دسر نجات یافت:

چند در دیوان نشستن؟ خیز و دیوان واگذار
نیستی دیوانه، دیوان را به دیوان واگذار
تا به کی زین سفله مردم، خون دل بایست خورد؟
کار محنت بارشان تا در بری جان واگذار...
مکر و دستان تا که در کار قضا آمد دخیل
هم دخالت را به اهل مکر و دستان واگذار...
زین کهن مسند که شد میدان جولان، درگذر
خیز و میدان با حریف تازه جولان واگذار^۱...

۴. ورود به انجمن ادبی حکیم نظامی

استاد گلچین معانی - آنچنان که خود نوشته است - در پایان سال ۱۳۱۴ (نوزده سالگی) به پایمردی مرحوم امیری فیروزکوهی به انجمن ادبی حکیم نظامی راه یافت. در این انجمن، که به ریاست مرحوم وحید دستگردی تشکیل می یافت، شعرا و استادان نامی آن روزگار فراهم می آمدند و اشعار خود را می خواندند. پیش از قرائت اشعار، مقابله و تصحیح خمسة نظامی توسط مرحوم وحید دستگردی و اعضای انجمن صورت می گرفت و در راستای همین مقابله و تصحیح بود، که استاد گلچین به مطالعه و پژوهش در نسخه های خطی و تصحیح عشق و علاقه یافت و خود در حوزه متن پژوهی و کتابشناسی، وحید روزگار شد. از نوشته خود استاد گلچین می خوانیم:

«در اواخر سال ۱۳۱۴ شمسی، که نوزده سال از سنین عمرم می گذشت، به پایمردی دوست عزیز ارجمندم شاعر جوان و سرشناس آن روزگار و استاد گرانقدر کم نظیر و دانشمند امروز، امیری فیروزکوهی، به انجمن ادبی حکیم نظامی راه یافتم و به سلسله استاد فقید مرحوم وحید دستگردی پیوستم. در آن اوقات، بلکه تا آخرین روز حیات استاد، جوانترین فرد انجمن بودم. در آن محضر پرفیض، که محل تجمع استادان سخن بود و هفته ای یک شب به ریاست مرحوم وحید تشکیل می شد، کار اساسی و مفیدی،

که پیش از قرائت اشعار اعضای انجمن صورت می‌گرفت، مقابله و تصحیح خمسة نظامی بود.

عشق و علاقه‌ای که بنده به کتاب خطی پیدا کردم، تا رفته رفته در عداد کتابشناسان معدود شناخته شدم، از آنجا ناشی شد که مرحوم وحید در جلسات انجمن، قدیمترین نسخهٔ نظامی را عمداً به دست بنده می‌دادند و می‌فرمودند که بخوانم، و بنده ناگزیر بودم اشعار نظامی را از روی آن نسخهٔ کهنسال با رسم‌الخط ناآشنایی که داشت، به صورت بلند بخوانم و دیگران با نسخه‌هایی که در دست داشتند، مقابله کنند و اختلاف قرائت را مذکور دارند.

جوانی نوخاسته و محبوب و شاعری مبتدی را در محضر استاد بزرگی چون وحید و سخن‌سرایانی غالباً منتهی در نظر بگیرید، که در خواندن ابیات سخن‌سالار گنجه با رسم‌الخط عجیب و غریب نسخهٔ خطی مزبور، تا چه حد می‌بایستی اطراف و جوانب کار را بنگرد و پاس حیثیت خود را بدارد تا کلمه‌ای را غلط نخواند و در چنان مجمعی شرمنده و سرافکنده نشود.

این تمرین اجباری، ولی ذوق‌انگیز، بزودی برای من امری عادی و اختیاری شد و مرا به کتابخانه‌ها کشانید و به آنجا رسانید، که علاوه بر نشر مقالات فنی بسیار، چندین کتاب نیز در رشتهٔ کتابشناسی تألیف و تدوین کنم، و خوشوقت که در این ایام کهولت با وجود بیماری ممتد به توصیهٔ دوست بزرگوار دانشمند استاد ارجمند دکتر غلامحسین یوسفی، دقایق و رموز این فن شریف را در دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی به دانشجویان دورهٔ فوق‌لیسانس و دکترای آموزش، و اینها همه از برکت تربیت استاد بی‌نظیر و صاحب‌نظر وحید بوده است، که از نخستین دیدار، جوهر و استعداد این کار را در وجنات من دیده و دریافته بود.

یک مطلب مهم دیگر، که سرمشق استادان علم و ادب تواند بود، نحوهٔ تشویق آن استاد بزرگ و نامدار است که بر اثر آن از یک جوان پرشور و پرکار، تزلزل خاطر را دور کرد و اعتماد به نفس به او بخشید.

ماجرای این قرار است که در آذرماه سال ۱۳۱۵ شمسی، استاد به اعضای انجمن تکلیف کردند تا هر یک در ظرف هفتهٔ آینده، شعری اعم از قطعه یا قصیده مختوم به

نتیجه‌ای اخلاقی و اجتماعی درباره فصل خزان بسرایند، بنده همان شب که از انجمن به خانه بازگشتم، قطعه‌ای سرودم که در آن ایام به اقتضای سن و سالم بد نبود، ولی امروز از ردیف اشعار من خارج شده است.

هفته بعد که به انجمن رفتم، پس از ختم برنامه مقابله و تصحیح خمسة نظامی، مرحوم وحید پرسید که شعر طرحی را کدام یک از آقایان ساخته‌اند؟ کسی به این پرسش پاسخی نداد، و معلوم شد که هیچوقت شروع به ساختن شعر مزبور نکرده‌اند.

مرحوم رهی معیری، که در کنار بنده نشسته بود، چون می‌دانست در سرودن اشعار طرحی و انجمنیه خیلی سریع دست بکار می‌شوم، گفت: آقای گلچین ساخته‌اند. ولی من چون تنها مانده بودم، انکار کردم. ناگاه مرحوم رهی دست در جیب بغل بنده کرد و اوراقی را بیرون آورد، که بر یک ورق آن، قطعه‌ای با عنوان (خزان گل) بود، و به مرحوم وحید نشان داد و گفت: همین است. استاد فرمودند: بخوانید آقای گلچین! ناچار شروع به خواندن کردم، و وقتی که شعر به پایان رسید، به اعضای انجمن گفتند: بنده هم قصیده‌ای با همین معانی و مضامین شروع کرده و نیمی از آن را ساخته‌ام، ولی چون آقای گلچین بهتر از من ساخته‌اند، من دیگر نخواهم ساخت.

آنچه مسلم است، این است که استاد فقید هم شعر طرحی را نساخته و این سخن را محض تشویق من بر زبان آورده بود، ولی در آن وقت، کسی متوجه این معنی و قصد و غرض ایشان نگردید.

به سبب همین فرشته خصالی و صفات برجسته بود، که چون آن استاد یگانه از میان ما رفت، شعری در رثای او با دو ماده تاریخ سرودم، که کمتر فرزندی بدان سوز مرثیت‌گوی پدر خویش تواند بود»^۱.

۵. فعالیت‌های مطبوعاتی

مرحوم احمد گلچین معانی در سال ۱۳۱۵ ش همکاری خود را با مطبوعات آغاز کرد و تا سال ۱۳۳۲ ش اشعار عصری و فکاهی او در روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های امید، تهران مصور، قیام ایران، خبردار، باباشمل، توفیق، صدای ایران، ملأضرالدین، افق، بهرام،

۱. «در محضر استاد»، وحید، شماره ۲۵۲ - ۲۵۳، نیمه دوم اسفند ۱۳۵۸، فروردین ۱۳۸۵، صص ۱۰۸ - ۱۰۹.

علی‌بابا، دیده‌بان، با امضاهاى سیمرخ، سجاف دفتر، اشعرالممالک، هالو، سارق دیوان، نوچه، لجباز، بچه مکتبی، شیخک، یقنعلی، گل‌آقا، ا-گ، به چاپ رسیده است. از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ تصدی صفحهٔ ادبی مجلهٔ تهران مصور با عنوان «گلگشت و تماشا» را برعهده داشت. زنده‌یاد، گلچین معانی، دربارهٔ این گونه فعالیت مطبوعاتی خود نوشته است:

«در مجلهٔ ارمغان که مرحوم وحید منتشر می‌کرد و بهترین مجلهٔ علمی و ادبی زمان خود بود، مقالات و اشعار اعضای انجمن ادبی حکیم نظامی درج می‌شد، ولی ما خدمت مطبوعاتی دیگری هم به عهده داشتیم، و آن عبارت بود از اشعار فکاهی که به روزنامهٔ هفتگی امید به مدیریت سیدکاظم اتحاد (سرکشیک زاده) می‌دادیم. اشعار ما در این روزنامه با امضاهاى مستعار نشر می‌یافت، سلندر: استاد محمدعلی ناصح بود، و قلندر: ابوالقاسم ذوقی، اجنه: سیدغلامرضا روحانی، جَنّی: محمدعلی نجاتی، ابن جَنّی: عباس فرات، م، ب، شاه پریون: محمدحسن بیوک معیری (رهی)، ا، گ، سیمرخ: بنده بودم. در آن اوقات، سانسور شدید بر مطبوعات حکمفرما بود، و همان اشعار فکاهی که متضمن هیچ مطلب جدّی و سیاسی یا انتقادی نبود، قبل از چاپ در دو سه اداره کنترل می‌شد. به خاطر دارم که وقتی در یک غزل فکاهی مخصوص روزنامهٔ امید این بیت را آورده بودم:

پنداشتمت طبیب دردی ناخوش شدم و دوا نخوردم

یاور نظمی، که طبع نظمی هم داشت و مأمور سانسور در شهربانی بود، بیت مزبور را سانسور کرده و در مقابل آن نوشته بود: «مریض در کشور شاهنشاهی نیست!» اما وقتی که رضا شاه رفت و اعلام کردند که «قلم آزاد است» پروبالی باز کردیم، زیرا که از دست متفقین، که به ناحق کشور ما را اشغال کرده بودند، دل پرخونی داشتیم و آزادی قلم به ما مجال می‌داد تا لااقل حرفمان را بزنیم.

در این زمان، سیدکاظم اتحاد در گذشته بود و امتیاز روزنامهٔ امید را ابوالقاسم امینی پسر خانم فخرالدوله و برادر کوچک دکتر علی امینی گرفته بود، که به سردبیری استاد نصرالله فلسفی منتشر می‌گشت، و به خلاف سابق نشریه‌ی بی بود پر مطلب و بسیار جدّی و دارای مطالب سیاسی.

ما دوستی داشتیم به نام عباس نعمت، که از گراورسازان نامی عهد بود و امتیاز روزنامه تهران مصور را داشت که می‌خواست منتشر کند. همان دوستان و همکاران امید فکاهی گرد هم آمدیم و تهران مصور را به جای آن به راه انداختیم و احمد دهقان را که جوانی فعال بود، سردبیر روزنامه کردیم، ولی این بار اشعارمان بعضاً فکاهی و بیشتر سیاسی و انتقادی و اجتماعی بود.

وقتی که در حکومت قوام السلطنه، امتیاز کلیه جراید و مجلات لغو شد، از آنجا که عباس نعمت برای تجدید امتیاز واجد شرایط نبود، نام تهران مصور و امتیاز آن نصیب احمد دهقان شد و بعداً به صورت مجله درآمد. در این دوره غیر از بنده و رهی معیری، هیچ یک از دوستان حاضر به همکاری نگرديد.

بجز امید و تهران مصور، بنده با این روزنامه‌ها نیز یا در تمام مدت و یا نیمی از دوران انتشارشان همکاری داشته‌ام: قیام ایران، خبردار، باباشمل،^۱ توفیق، صدای ایران، ملانصرالدین، افق، بهرام، علی‌بابا، دیده‌بان، و اشعارم در جراید مزبور با این امضاها درج می‌شده است: سیمرخ، سجاف دفتر، اشعرالمالک، هالو، سارق دیوان، نوچه، لجباز، بچه مکتبی، شیخک، یقنعلی، گل آقا، ا.گ.

مجموع اشعار عصری من که با امضاهاى مزبور نشر یافته است، از پنج هزار بیت بیشتر است، و در پایان دیوان چند قطعه از آنها را برای نمونه خواهم آورد.

این مبارزه قلمی تا پایان سال ۱۳۳۰، که مصادف با زمامداری مرحوم دکتر محمد مصدق بود، همچنان ادامه داشت، و از آن پس به مدت دو سال تصدی صفحه ادبی مجله تهران مصور را که مشتمل بر مطالب متنوع و منتخب از نظم و نشر قدیم و جدید و تحقیقات ادبی بود و عنوان (گلگشت و تماشا) داشت، عهده‌دار گردیدم. این صفحه را پیش از نگارنده، استاد گرانقدر و دانشمند، دکتر ذبیح‌الله صفا می‌نوشت.

با کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و به وجود آمدن سازمان امنیت (ساواک)

۱. در اینجا این توضیح ضروری است که باباشمل یک دوره منتشر شد و بعد کارش به تعطیل انجامید؛ و در دوره دوم که انتشار یافت، از نویسندگان و شاعران قبلی هیچ یک با مهندس رضا گنجی‌بی مدیر آن همکاری نکرد. حتی رهی معیری. در این دوره بجز دو یا سه قطعه شعر، که از مهندس الشعرا و شیخ سرنا درج شده، مابقی اشعار در بستر از بنده است.

رفته رفته قلم‌ها شکسته و زبانها بسته شد، و از آن پس بنده، دست به یک سلسله کارهای تحقیقی و نشر مقالات ادبی، فنی، تاریخی، کتابشناسی زدم و تاکنون بیش از یکصد مقاله از نگارنده در مجلات علمی و ادبی... و در سه مجلد فهرست مقالات فارسی مذکور است».

۶. ورود به انجمن ادبی ایران

پس از فوت مرحوم وحید دستگردی در سال ۱۳۶۱ و پیش از آنکه فرزند او (مرحوم محمود وحیدزاده) به نشر مجله ارمان و تشکیل دوباره انجمن حکیم‌نظامی اهتمام ورزد، به پیشنهاد استاد احمد گلچین معانی، اعضای انجمن مذکور در منزل استاد محمدعلی ناصح (درگذشته ۱۳۶۵) فراهم آمدند و انجمن ادبی ایران را تأسیس کردند. مرحوم گلچین معانی، نام این انجمن را، که قبلاً به ریاست مرحوم محمدهاشم افسر سبزواری، هفته‌ای یک شب در منزل وی دایر می‌شده و با درگذشت وی به سال ۱۳۱۹ در محاق تعطیل افتاد، به نام مرحوم محمدعلی ناصح به ثبت رسانید، و تا سال ۱۳۴۳ که از تهران به مشهد رفت، در جلسات این انجمن، مرتباً حضور و شرکت داشتند.^۱

۷. ورود به انجمن ادبی فرهنگستان ایران

در پایان سال ۱۳۲۵ رئیس فرهنگستان ایران، مرحوم حسین سمیعی (ادیب‌السلطنه)، یکصد و بیست تن از شعرا، فضلا، ادبا و دانشمندان مشهور آن روزگار را به عمارت فرهنگستان، واقع در پشت مدرسه عالی سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری فعلی) فراخواند و انجمن ادبی فرهنگستان ایران را بنیان نهاد، که تا پایان عمر ادیب‌السلطنه (۱۳۳۲/۱۱/۱۶) تداوم یافت.

این انجمن، دارای یک رئیس، دو نایب رئیس، سه دبیر و یک خزانه‌دار بود که به مدت یک سال انتخاب می‌شدند. سال نخست، ریاست انجمن را ملک‌الشعرا بهار برعهده داشت و در سالهای بعد خود ادیب‌السلطنه ریاست آن را برعهده گرفت. استاد گلچین از آغاز تأسیس انجمن تا پایان کار، دبیر اول و رئیس دبیرخانه بود.^۲

۸. فعالیت در کتابخانه ملی ملک

استاد گلچین معانی در سال ۱۳۳۰ ش به دعوت مرحوم حاج حسین آقا ملک (ملک التجار) پس از فراغت از کار اداری ثبت، به کتابخانه ملی ملک (واقع در بازار تهران) می رفت و تا سال ۱۳۳۸ به عنوان مسئول فهرست نویسی کتب خطی و چاپی، و مشاور آن مرحوم در خرید آثار خطی و چاپی سنگی، به فعالیت پرداخت.

۹. انتقال به کتابخانه مجلس شورای اسلامی

مرحوم گلچین معانی در اسفند ۱۳۳۸ ش پس از کناره گیری از خدمت در وزارت دادگستری، به کتابخانه مجلس شورای اسلامی انتقال یافت و تا زمان بازنشستگی در اسفند ۱۳۴۲، در آنجا به خدمت و فعالیت در حوزه فهرست نگاری نسخه های خطی و کتابشناسی پرداخت. «فهرست چند مجموعه کتابخانه مجلس شورای ملی»، که در نسخه های خطی (دفتر پنجم)، صص ۱۵۳ - ۲۰۳ به چاپ رسیده، از تلاشهای ایشان در فهرست نگاری و معرفی دستنویسهای کتابخانه مجلس شورای اسلامی است.

۱۰. فعالیت در کتابخانه آستان قدس رضوی

در مرداد ۱۳۴۳ به دعوت استاندار خراسان و نیابت تولیت وقت (سپهد سیداحمد امیرعزیزی) به مشهد مقدس رفت و به تنظیم فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی همت گماشت. او در آستان قدس رضوی، نخست به سمت کارشناس امور کتابخانه ها و سپس با حفظ سمت، به عنوان مشاور فرهنگی نیابت تولیت، جمعاً دوازده سال اشتغال داشت. وجود استاد گلچین معانی در کتابخانه آستان قدس رضوی، برکات بسیار داشت، که می توان آنها را به چند بخش، تقسیم نمود:

۱. فهرست نگاری نسخه های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی: حاصل کوششهای استاد در این بخش، چاپ و نشر فهرستهای زیر است:

(الف) فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی (ج ۷، بخش ۱ - ۲)

(ب) فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی (ج ۸)

(ج) فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی (ج ۱۳، با همکاری

غلامحسین عرفانیان)

۲. تشکیل گنجینه قرآن و معرفی دستنویسهای قرآنهاى محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوى و تشكيل گنجینه قرآن در آبان ۱۳۴۶ در آستان قدس رضوى، و معرفى قرآنهاى خطى کتابخانه این آستان مقدّسه.

چاپ و نشر کتاب راهنمای گنجینه قرآن، که مشتمل بر معرفى ۲۱۵ قرآن خطى است، حاصل فعالیت استاد گلچین در این بخش است.

۳. تشويق مجموعه داران نسخه‌هاى خطى و آثار چاپى برای وقف و اهدای کتابهاى خود به کتابخانه آستان قدس رضوى.

زنده یاد، دکتر سیّدصادق گوهرین (درگذشته ۱۳۷۴) از جمله کسانی است که به توصیه مرحوم گلچین معانى، کتابخانه خود را وقف کتابخانه آستان قدس رضوى کرد.

۴. تلاش برای حفظ قرآنهاى خطى کتابخانه آستان قدس رضوى و بازگرداندن قرآنهاى به سرقت رفته به گنجینه قرآن.

حکایت این تلاش را از زبان قلم خود استاد گلچین معانى می‌شنویم:

«... در آبان ماه ۱۳۴۶ که نگارنده گنجینه قرآن را در آستان قدس تشكيل داد، در میان قرآنهاى ثبت شده و ابوابجمعى کتابخانه، فقط دو جزو از قرآن کار عثمان بن حسین و راق وجود داشت (جزو اوّل و جزو بیست و دوم) و هر دو را از نظر قدمت و نفاست و تذهیب در گنجینه به نمایش گذاشت.

یکسال و نیم بعد، ضمن نوسانهایی که بیرون و درون حرم مطهر صورت می‌گرفت، بالای بام حرم، محلی کشف شد که در آن گونی‌هایی محتوی جزوات قرآن و اوراق پراکنده بود.

پس از تحقیق از معمرین، که رئیس اسبق کتابخانه نیز یکی از آنها بود، همین قدر معلوم شد که از سوابق ایّام که تاریخ دقیق آن بدرستی معلوم نیست، گونی‌های مزبور در قسمت فوقانی قرائت‌خانه سابق کتابخانه واقع در جنوب ایوان طلای صحن قدیم داخل در کمرپوشی ریخته شده بود و متصدیان وقت در پنجاه سال پیش تصوّر می‌کردند گونی‌های محتوی ورق‌پاره قرآن‌های خطی است که چون درست شدنی نبوده، به احترام قرآن و برای اینکه زیر دست و پا نریزد، بدین صورت در آن حفره گذاشته شده است.

از سال ۱۳۴۳ به بعد در ضمن توسیع حرم مطهر و احداث رواقهای جدید و تعمیر بیوتات، گونی‌های موصوف با دست کارگران ساختمان و بدون اطلاع اولیای آستان قدس، چند بار از مکانی به مکان دیگر انتقال یافت، تا در اوایل آبان ۱۳۴۸ یکی از خدمه تشریفات، محلّ اخیر آنها را در قسمت فوقانی دارالسلام بین دوپوش سقف حرم مطهر پیدا کرد و پس از کاوش، یک جلد بقایای قرآن سوخته و چند ورق و یک جزو سالم از میان آنها بیرون آورد و نزد رئیس تشریفات بُرد و او به نیابت تولیت اطلاع داد و در نتیجه، محتویات گونیها رسیدگی شد و به کتابخانه انتقال یافت.

تعداد قرآنهای کشف شده از کامل و نیمه و سب و نیم سب و سه جزوی و یک جزوی و نیم جزو و حزب، آنچه بین الدّفتین قرار گرفته بود و چهار جزو بسیار نفیس و کهن سال از تورات و چهار دفتر ادعیه به اضافه دیوان تمیم بن مقبل تحریر سنه سیصد و هشتاد هجری و دیوان عبدالله بن احمد خازن تحریر سنه چهارصد و هشتاد و یک و کتاب بی سر و تهی در پزشکی و بیست و چهار جلد قرآن دیگر، که بعداً به دست آمد، روی هم رفته به یک هزار و هفتصد و هشت مجلد بالغ گردید.

از آنجا که در سال ۱۳۴۹ بعضی از روزنامه‌های داخلی و مجلّات خارجی درباره سرقت قرآن از کتابخانه آستان قدس، مطالب بی اساسی نشر داده بودند، فرصت را مغتنم شمرده، توضیح می‌دهم که بیست و چهار جلد قرآنی، که گفته شد بعداً به دست آمد، از داخل همان گونی‌ها در نقل و انتقالات قبلی، که ذکرش گذشت، توسط چراغچی حرم به سرقت رفته و فروخته شده بود و وقتی که یک جلد از آنها را مجلس شورای ملی به بهای خیلی کمی (سیصد هزار ریال) ابتیاع کرد، بنده کنجکاو شدم تا فروشنده و واسطه معامله را بشناسم و چون این هر دو معلوم شد، با گفتگوی بسیار، فروشنده را وادار به اقرار کردم و همین که دانسته شد از چه کسی خریده است، دیگر کار تمام بود، بنابراین شش جلد از قرآنهای مسروقه را خود بنده جمع‌آوری کردم و بقیه را، که در تهران و لندن و کالیفرنیا پراکنده شده و از دسترس خارج بود، با کمک کارآگاهان به دست آوردیم. سارق و کسانی که دانسته، قرآن مسروقه از وی خریده بودند، در دادگاه جنایی استان محاکمه و به شش ماه تا سه سال زندان محکوم شدند.

در این مجموعه عظیم، قدیمترین تاریخ تحریر، سیصد و بیست و هفت، و جدیدترین

آنها هفتصد و نود و پنج هجری است و قدیمترین تاریخ وقفی که دارد، سیصد و نود و سه، و جدیدترین آنها هشتصد و شصت و هشت هجری است.

در اوقاتی که از قرآنهای کشف شده صورت‌برداری می‌شد، بیست و شش جزو دیگر از قرآن کار عثمان بن حسین و راق به دست آمد و با جزو قبلی، که از قرآنهای ثبت شده و داخل در ابوابجمعی کتابخانه بود و جزو دوازدهم که در میان قرآنهای مسروقه پیدا شد، جمعاً به بیست و نه جزو بالغ گردید.

همچنین در میان قرآنهای مزبور، تعداد زیادی از اجزاء سی‌پاره‌های ناقص کتابخانه به دست آمد، که هیچ یک از آنها شماره ثبت نداشت و عرض دیده نشده بود. از جمله از قرآن وقفی ابوالقاسم منصور بن محمد بن کثیر، مورخ سیصد و نود و سه هجری، که فقط جزو سیزدهم آن در کتابخانه موجود بود، پانزده جزو دیگر از گونیها درآمد، و از قرآن خطّ ابوالبرکات رازی، مورخ چهارصد و سی و یک هجری، که فقط جزو هشتم آن در کتابخانه بود، چهارده جزو دیگر پیدا شد...

باری، در اردیبهشت سال ۱۳۵۲ برای قرآنهای کشف شده، قفسه آهنی دردار تهیه شده و وقتی که آنها را از صندوقهای چوبی به داخل قفسه‌های جدید انتقال می‌دادند، در صدد برآمدن تا ببینم کدام جزو از اجزای سی‌گانه قرآن مزبور کیم است. در نتیجه معلوم شد که جزو دهم را ندارد و از این بابت، اندوهی عمیق، سراپای وجودم را گرفت. در آن حالت، ناگهان به یاد کتاب راهنمای گنجینه قرآن موزه ایران باستان افتادم که در سال ۱۳۲۸ به کوشش استادان فقید دکتر مهدی بهرامی و دکتر مهدی بیانی نشر یافته بود و به خاطر من رسید که از عثمان و راق در آن کتاب یاد شده است و چون مراجعه کردم، دیدم صفحه اول جزو دهم در آنجا کلیشه شده است و ذیل آن نوشته‌اند: «نمونه‌ای از خطّ و تذهیب قرن پنجم به شیوه عثمان بن و راق» (کذا). همینکه دیدم خطّ همان خطّ است و در پیشانی تصویر نوشته شده است (الجزء العاشر)، با خوشحالی زایدالوصفی به نیابت وقت گزارش داده، درخواست کردم تا برای اعاده آن اقدامی به عمل آورند، متأسفانه به این تقاضا ترتیب اثر داده نشد.

یک سال گذشت، تا جناب دکتر عبدالعظیم ولیان به سمت نیابت تولیت عظمی و استاندار خراسان منصوب گردیدند. روز دوم، که به کتابخانه آمدند در ضمن بازدید از

تالار نقایس و گنجینه قرآن، وقتی که به تماشای دو جزو قرآن عثمان و راق مشغول شدند، با ذکر ماجرا، تقاضای من پذیرفته شد و مقرر گردید گزارش آن تهیه شود تا به شرف عرض ملوکانه برسد. این اقدام بفوریت صورت گرفت و در مدتی کمتر از یکماه، جزو دهم به کتابخانه آستان قدس تحویل گردید و بحمدالله سلسله کامل شد»^۱.

۱۱. تدریس در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد
آن چنانکه اسناد پیوست نشان می‌دهند، در سال ۱۳۵۶ بنابه پیشنهاد زنده‌یاد، دکتر غلامحسین یوسفی، صلاحیت علمی استاد گلچین معانی از جانب دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، مورد تأیید قرار گرفت و ایشان در مقاطع تحصیلی فوق‌لیسانس و دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، در سه موضوع: استفاده از نسخه‌های خطی فارسی، ادبیات ایران در عصر صفوی و فرهنگ‌نویسی، به تعلیم و تدریس پرداخت، و چنانکه خود نوشته، تا دانشگاه‌ها تعطیل نشده بود، بدین خدمت اشتغال داشت.

۱. «شاهکارهای هنری شگفت‌انگیزی از قرن پنجم هجری و سرگذشت حیرت‌آور آن»: هنر و مردم، سال چهاردهم، شماره ۱۵۷، آبان ماه ۱۳۵۴، صص ۴۸ - ۵۵.